

نگاهی به ترجمه جدید آلمانی قرآن از خانم زیگريت یمینی (شولتس)*

مرتضی کریمی نیا

قرآن، ترجمه به زبان آلمانی از زیگريت یمینی (شولتس)، تهران، انتشارات جاجرمی، ۱۳۸۲ش / [۲۰۰۳م]. ۱۸+۷۷۳ص. شابک: ۹۴۶-۶۷۶۶-۵۳-۶.

به تازگی ترجمه‌ای آلمانی از قرآن کریم در ایران از سوی انتشارات جاجرمی (تهران، ۱۳۸۲) منتشر شده است. این دومین ترجمه آلمانی است که در ایران منتشر می‌شود. پیشتر انتشارات انصاریان بارها ترجمه آلمانی رودی پارت (درگذشته ۱۹۸۲) را به صورت افست در قم منتشر کرده بود. از همین آغاز، باید یادآوری کرد که انتشارات جاجرمی نیز در واقع ترجمه‌ای قدیمی از قرآن به زبان آلمانی را بازچاپ کرده، اما نام مترجم در روی جلد و درون کتاب، خانم زیگريت یمینی (شولتس) ذکر شده است. کار خانم یمینی (شولتس) بازنگاری ترجمه‌ای آلمانی از قرآن کریم است که آن را فردی به نام لودویگ اولمان (Ludwig Ullmann) (۱۸۰۴-۱۸۴۳) در قرن نوزدهم میلادی انجام داده است. بعدها در نیمه دوم قرن بیستم شخصی دیگر به نام لئو وینتر (Leo W. Winter) آن را با تغییراتی مجدداً چاپ کرد و اکنون خانم زیگريت یمینی (شولتس) با انجام اصلاحاتی، همین ترجمه وینتر را در ایران منتشر

* این مقاله نقدی است بر ترجمه جدید آلمانی از قرآن با این مشخصات:

Der Koran, übers. von Siegrid Yamini (geb. Schulz),
Tehran: Jajarmi Publication, 2003/1382. ??+773pp.
ISBN: 946-6766-53-6.

نگاهی به ترجمه جدید آلمانی قرآن از ... ۵۳ □

کرده که از جوانب مختلف حاوی اشکالات و بیانات وهن آمیز است. در نوشتار حاضر به اختصار به معرفی جوانبی از ترجمه انتشار یافته به اسم خانم یمینی (شولتس) از سوی انتشارات جاجرمی می پردازم.

ویژگیهای ظاهری

۱- کتاب متشکل از بخشهای زیر است:

الف - مقدمه در ۱۳ صفحه (بدون شماره صفحات)

ب - فهرست نام سورهها در ۶ صفحه (بدون شماره صفحات)

ج - متن ترجمه قرآن در ۷۷۳ صفحه (شروع شماره گذاری صفحات از عدد ۵)!

د - بدون متن عربی قرآن.

۲ - عنوان کتاب بر روی جلد و صفحه اول چنین آمده است: (به زبان آلمانی)

قرآن کتاب مقدس اسلام

تقسیم شده در ۱۱۴ سوره و یا ۳۰ بخش

در حروفچینی این عنوان به زبان آلمانی دو اشتباه املایی بزرگ وجود دارد! نیز در نشانی ناشر که بر روی جلد تایپ شده، کلمه دانشگاه با حروف لاتین به صورت دانشگاه (Daneshkah) حرف نگاری شده است. در متن کتاب نیز اغلاط املایی فراوان وجود دارد که از بیم تطویل کلام، در ادامه از ذکر آن صرف نظر می کنم.

۳ - صفحات مقدمه ۱۳ صفحه ای به کلی جابه جا و درهم ریخته است؛ یعنی صفحه ۳ به جای صفحه ۱، صفحه ۴ به جای صفحه ۲، صفحه ۱ به جای صفحه ۳، صفحه ۲ به جای صفحه ۴ و... آمده است. از آنجا که صفحات مقدمه اصلاً شماره گذاری نشده است، خواننده به دشواری می تواند ترتیب صفحات را پیدا کند.

۴ - از نکات عجیب این کتاب یکی آن است که سراسر کتاب، یعنی صفحه عنوان کتاب، مقدمه، فهرست نام سورهها، اسامی سورهها در آغاز هر سوره، توضیحات کوتاه در آغاز هر

1. Der Koran. Das heilige Buch des Islam aufgeteilt in 114 Suren oder dreiBig Abschnitte!

سوره و متن ترجمه سوره‌ها، همه و همه با یک قلم و یک فونت تایپ شده است. این در حالی است که بین هریک از بخشهای کتاب حتی یک سطر هم فاصله گذاشته نشده است؛ یعنی تمام مطالب کتاب از عنوان کتاب و نام مترجم گرفته تا آیه آخر سوره ناس، پشت سرهم تایپ شده است.

۵- تمام پاورقیهای ترجمه دو شماره دارد. یکی شماره پاورقی در صفحه و دیگری شماره پاورقی به صورت مسلسل در کل کتاب.

۶- کتاب فاقد سر صفحه است.

۷- تنها نکته مثبتی که می توان برای این ترجمه برشمرد، این است که در تمام صفحات آن، شماره آیات مختلف به گونه‌ای آمده است که می توان به سرعت و آسانی، سوره و آیه مورد نظر در ترجمه را پیدا کرد.

ویژگیهای معنایی

همچنان که در آغاز آوردم، ترجمه خانم یمینی (شولتس) در واقع ترجمه نیست، بلکه همان ترجمه ویتتر با اندکی تغییر و بازنگری است. کار ویتتر نیز در اصل بازنگری در ترجمه قدیمی دیگری از لودویگ اولمان (۱۸۰۴-۱۸۴۲) بوده است.^۱ در اینجا نخست به معرفی این دو ترجمه و مترجمان آنها می پردازم.

لودویگ اولمان، خاخامی یهودی بود که در شهر کرفلد^۲ (آلمان) می زیست. ترجمه او به سال ۱۸۴۰ میلادی منتشر شد.^۳ این ترجمه فاقد مقدمه و حاوی اشتباهات فراوان (حتی در

۱. چاپ اول و دوم ترجمه اولمان در سالهای ۱۸۴۰ و ۱۸۴۲ در کرفلد آلمان منتشر شد. چاپهای سوم تا نهم این ترجمه (در سالهای ۱۸۵۰، ۱۸۵۳، ۱۸۵۷، ۱۸۶۵، ۱۸۷۲، ۱۸۷۷، ۱۸۸۱، ۱۸۸۲، ۱۸۹۷) همگی در شهر بیلفلد آلمان انتشار یافت. تقریباً ۶۰ سال بعد، لئو ویتتر (Leo W. Winter) آن را در شهر مونیخ (انتشارات گلدمن، Goldmann، ۱۹۵۹) در ۵۰۴ صفحه با بازنگری خود منتشر کرد. این ترجمه در ۱۹۷۷ نیز مجدداً در ۵۰۶ صفحه منتشر شد.

2. Krefeld

3. Ludwig Ulmann (übrs.), *Der Koran. Aus dem Arabischen wortgetreu übersetzt und mit erläuternden Anmerkungen versehen*. Krefeld: Funcke, 1840. 550S.

نگاهی به ترجمه جدید آلمانی قرآن از ... ۵۵ □

فهم امور ابتدایی مربوط به صرف و نحو عربی) بود. فی‌المثل وی در ترجمه عبارت *صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ* (ابراهیم، ۱) دو کلمه "عزیز" و "حکیم" را صفت "صراط" می‌داند و ترجمه‌ای وارونه ارائه می‌دهد، حال آنکه هر دانشجوی مبتدی زبان عربی می‌داند که این دو واژه مضاف‌الیه‌اند. همین اشتباهات ابتدایی ترجمه او را بسیار ضعیف و غیرقابل اعتماد ساخته است.

وی آیات قرآن را در ترجمه خود نه شماره‌گذاری کرده و نه در بخشهای مختلف تقسیم‌بندی نموده است. بنابراین خواننده در مراجعه به چاپ ریز، درهم و پراکنده این ترجمه، سرگردان می‌ماند.

با وجود آنکه مستشرقان معروفی در آلمان همچون تئودور نولدکه (۱۸۳۶-۱۹۳۰) این ترجمه را به شدت مورد انتقاد قرار داده بودند^۱، انتشارات گلدمن در مونیخ (آلمان) در سال ۱۹۵۹، این ترجمه را با تصحیح لئو واین من وینتر (Leo Weinmann Winter) روانه بازار کرد^۲. وینتر (احتمالاً ۱۸۷۶-۱۹۳۵) که ظاهراً یهودی سیاستمداری بوده است به اعتراف برخی از محققان آلمانی^۳، در اسلام‌شناسی فردی گمنام بود. به نظر می‌رسد که وی اسلام را تماماً از فرقه تازه تأسیس احمدیه و تبلیغات آنها در اروپا می‌شناخته است، چراکه فی‌المثل در

۱. پاره‌ای از مهم‌ترین مستشرقان آلمانی که ترجمه اولمان را نقد و گاه بشدت مورد اعتراض قرار داده بودند، عبارتند از:

- گوستاو وایل (Gustav Weil) در *Heidelberger Jahrbücher der Literatur* (هایدلبرگ)، سال ۳۳، (۱۸۴۰)، ص ۹۳۴-۹۴۱.

- یوزف فون هامر-پورگشتال (J. v. Hammer-Purgstall) در *Jahrbücher der Literatur* (وین)، سال ۱۰۱، (۱۸۴۳)، ص ۴۷-۱۰۲.

- هاینریش فلاشر (Heinrich Leberecht Fleischer) در *Allgemeine Literatur-Zeitung* سال ۱۸۴۱، ص ۴۱۸.
- تئودور نولدکه (Theodor Nöldeke) در *Literarisches Centralblatt* (لایپزیک)، سال ۱۸۶۵، ص ۴۷۳.

4. *Der Koran: das heilige Buch des Islam*. Nach der Übertragung von Ludwig Ullmann neu bearbeitet und erläutert von L. W.-Winter, München: Goldmann, 1959. 504S.

۳. دکتر ماتیاس رادشایت در مقاله زیر:

Matthias Radschheit, «Aktuelle deutsche Koranübersetzungen im Überblick», *CIBEDO: Beiträge zum Gespräch zwischen Christen und Muslimen* (Frankfurt a.M.) 13iv (1999) pp. 131.

شماره‌گذاری آیات (که ترجمه اولمان فاقد آن بود) از شماره‌گذاری قرآن احمدیه پیروی می‌کند. وی حتی در مقدمه خود اشاره می‌کند که امروزه اسلام به وسیله فرقه احمدیه اشاعه و تبلیغ می‌شود. باید گفت که وینتر بسیاری از اشتباهات اولمان را دست‌نخورده باقی گذاشته است.^۱ بجز این، گاه وی حتی نتوانسته است میان مفاهیم مختلف در برخی از واژه‌های عربی تمایز قائل شود و از این رو، همه آنها را بدون شرح و تفسیر در ترجمه خود گردآورده است (مثلاً در آیات یوسف، ۲۹ و نساء، ۱۱۱). در عربی نادانی وینتر، ذکر این مثال کافی است که وی جمله ساده موصولی ای چون **فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ** (انعام، ۴۸) را چنین ترجمه کرده است:

Wer nun glaubt, der wird glücklich sein.

یعنی: آنکه اکنون ایمان آورد، خوشبخت خواهد بود!

ترجمه اولمان فاقد مقدمه بود. مقدمه‌ای که وینتر بر ترجمه قرآن اولمان افزوده است نیز بسیار مغرضانه و غیرعلمی است. وی در مقدمه خود اظهار می‌کند که پیامبر با زور شمشیر دین اسلام را گسترش داده و خود همواره جنگ بین مذاهب را تشویق می‌کرده است. وی با تکرار این ادعا که پیامبر از منابع دینی یهودی و مسیحی، در تنظیم قرآن بهره برده است، اضافه می‌کند که پیامبر اطلاعات کافی و دقیقی از این منابع نداشته است. در نادرستی و مشوه بودن ترجمه وینتر (و اصل آن، یعنی ترجمه اولمان) به همین اشاره بسنده می‌کنم که سالها پیش حجة الاسلام سیدهادی خسروشاهی آن را ضایعه‌ای در ترجمه قرآن خوانده است. وی در مقدمه‌ای که به فارسی بر یکی از چاپهای ترجمه آلمانی قرآن از رودی پارت نوشته است، نسخه انتشار یافته از سوی انتشارات گلدمن را چنین توصیف می‌کند: «این ضرورت را هنگامی ما نیز احساس خواهیم کرد که بدانیم، در آلمان غربی مؤسساتی مانند "گلدمن" Goldman - در مونیخ - آنچنان ترجمه مغشوشی از قرآن مجید را بزبان آلمانی چاپ کرده است که باید آنرا "ضایعه‌ای" بشمار آورد».

باید گفت متأسفانه بخش اعظم این خطاها و نواقص ترجمه اولمان و وینتر به ترجمه خانم یمینی (شولتس) نیز راه یافته است. وی در این ترجمه، بسیاری از نکات منفی موجود در مقدمه و متن ترجمه وینتر را به همان شکل باقی گذاشته است. فی‌المثل، وینتر در مقدمه

۱. یک نقد و معرفی بر ترجمه وینتر به قلم زیگفرید رائدر منتشر شده است در:

Evangelische Missionszeitschrift (Stuttgart) 18 (1961) S. 174-180.

نگاهی به ترجمه جدید آلمانی قرآن از ... ۵۷ □

خود ادعا می‌کند که حضرت محمد برای افزایش حیثیت اجتماعی خود حرمسراییی ایجاد کرده بود. وی این قسمت از مقدمه وینتر را عیناً در ترجمه خود می‌آورد. از سوی دیگر، به دلیل عدم احاطه علمی، وی نتوانسته است هیچ یک از خطاها و غرض‌ورزیهای وینتر را تصحیح و برطرف کند. اساساً معلوم نیست با وجود ترجمه‌های بسیار خوشنام‌تر، جدیدتر و کم‌اشتباه‌تر، از اسلام‌شناسان آلمانی یا مسلمانان (از قبیل رودی پارت، عادل ثودور خوری، فریدریش روکرت با ویرایش هارتموت بوبتسین، محمد احمد رسول، ماکس هنینگ با بازنگری خانم شیمل و مراد هوفمان)، به چه دلیل خانم یمینی (شولتس) چنین ترجمه قدیمی و مغلوطنی را برای انتشار برگزیده است که امروزه از ضعیف‌ترین ترجمه‌های آلمانی قرآن به‌شمار می‌آید؟ و آیا اساساً وی صلاحیت علمی برای ترجمه قرآن و یا تصحیح اغلاط ترجمه دیگران داشته است؟

ذکر شماری از خبط و خطاهایی که در ترجمه اولمان و وینتر بوده و از این رو، عیناً در بازچاپ ترجمه آنها توسط خانم یمینی (شولتس) راه یافته است، در حوصله این مقال نمی‌گنجد. تنها برای آگاهی خوانندگان (و شاید اولیای امور) به سه نمونه از این اشکالات اشاره می‌کنم.

الف) خانم یمینی (شولتس) به پیروی از وینتر در ترجمه جمله *وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ* (انفال، ۳۰) می‌نویسد:

und Allāhs Anschläge sind die besten.

گذشته از بی‌دقتی این ترجمه، باید گفت انتخاب کلمه *Anschlag* (جمع: *Anschläge*) برای "مکر" بسیار نامناسب است، چه این واژه در زبان آلمانی به معنای «سوء قصد و نیت جنایتکارانه» است.

ب) درباره وجه تسمیه سوره تحریم، وینتر با اشاره به روایتی سؤال‌انگیز از منابع اهل سنت، می‌کوشد پیامبر را تا حد انسانی معمول و فاقد عدالت پایین آورد. آنگاه می‌گوید که حضرت محمد به حفصه، دختر عمر بن خطاب (در پنهان) قول داده بود که ابوبکر و عمر را به عنوان دو جانشین خود معرفی خواهد کرد. تمام این مطالب عیناً در ترجمه خانم یمینی (شولتس) آمده است.

ج) بیشتر تغییراتی را که خانم یمینی (شولتس) در ترجمه وینتر انجام داده نادرست و

نابجاست. در مقابل، گاه ترجمه برخی آیات که بسیار نازیبا و یا حاوی واژه‌های قدیمی بوده، بدون هیچ تغییری رها شده‌اند (فی‌المثل آیات بقره، ۶۳، ۱۳۴، ۱۹۵؛ نساء، ۱۱۱، ۱۱۴). اما از همه شگفت‌تر، مواردی است که در آنها، خانم یمینی (شولتس) ترجمه صحیح وینتر را با تغییرات خود بدتر و مشوه‌تر ساخته است. یک نمونه آن، ترجمه فعل «كَذَّبَ» است که در موارد بسیاری به معنای "تکذیب کردن و چیزی را دروغ پنداشتن" در قرآن آمده است. وینتر اغلب در ترجمه این واژه، فعل beschuldigen را به کار می‌برد که دقیقاً همان معنی را در زبان آلمانی می‌رساند، اما خانم یمینی (شولتس) با تغییر این کلمه، به جای آن فعل widerlegen را می‌آورد که به معنای "ابطال کردن یا اثبات نادرستی چیزی" است. فی‌المثل جمله فَرِيقًا كَذَّبْتُمْ (بقره، ۸۹) در ترجمه خانم یمینی (شولتس) چنین آمده است:

einen Teil der Gesandten habt ihr widerlegt.

یعنی: دروغین بودن بعضی از فرستادگان [خدا] را شما به اثبات رساندید!

یا جمله فَعَدُّ كَذَّبْتُمْ (فرقان، ۷۷) چنین ترجمه شده است:

Habt ihr ja auch seine Verse widerlegt.

یعنی: شما دروغین بودن آیات او را نیز اثبات کردید!

گفتمنی است که اصل این ترجمه‌ها در نوشته وینتر کاملاً صحیح بوده است. نمونه‌هایی دیگر از این تغییرات نادرست در آیات بقره، ۱۳۰ و ۱۵۹ است.

ذکر این نکته در پایان جا دارد که خانم یمینی (شولتس) در مقدمه خود اشاره می‌کند که جزء سی‌ام قرآن در ترجمه وی تماماً به قلم خود اوست. مقایسه کوتاهی میان این ترجمه و ترجمه آلمانی وینتر (و اولمان) نشان می‌دهد که حتی این بخش پایانی قرآن نیز از نو ترجمه نشده است، بلکه اساساً همان ترجمه وینتر همراه با بازنگری و تغییراتی مختصر از سوی خانم یمینی (شولتس) است.

